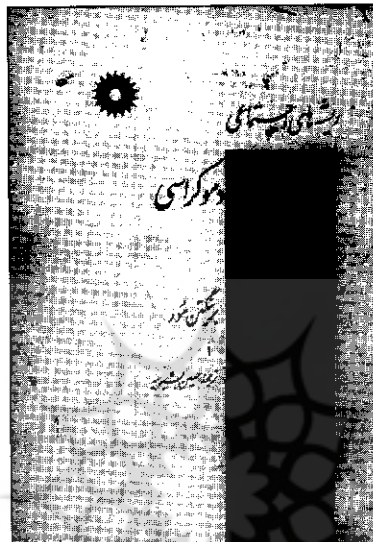


گذرگاه‌های تاریخی دموکراسی

محمدرضا مهدیزاده

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران



- ریشه‌های دیکتاتوری و دموکراسی

- برینگتون مور

- حسین بشیریه

- مرکز نشر دانشگاهی

- ۱۳۷۶، ۳۹۸ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰ تومان

رشد دموکراسی روی آورد و کار وی الهام بخش دیگر هم‌نسلان وی گردید؛ افرادی چون تدا اسکاچپول (شاگرد او) که «با چشم‌داشتی» به این کتاب اثر مشهور خویش - و در واقع رساله دکترای هاروارد خود - دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی را در مورد بررسی انقلاب‌های قرن ۱۹ نگاهت و چارلز تیلی نیز با کتاب قرن شورشی (۱۹۷۵) نظریه کنش جمعی و بسیج منابع را در تحلیل انقلاب‌ها ارائه کرد.

در نتیجه، شاهدیم که مور و هم‌نسلان وی - بلوخ، اسکاچپول، تیلی و... - تحولات عظیم دوره‌ای را برای بررسی انتخاب کرده‌اند، که بعدها چهره سیاست، اندیشه، تولید و جهان را تغییر داد. آنها تحول جوامع پیشاصنعتی به جامعه صنعتی را مسئله اصلی عصر خویش می‌دانستند، امری که یا با زایمان‌های دردناک انقلاب‌ها روی می‌داد یا با سزارین، نظارت و مراقبت قابل‌ها و ماما‌های مختلف صورت می‌گرفت و در نهایت از این تحول، در خانواده‌های مختلف جغرافیایی - اجتماعی، فرزندان متفاوت سالم و ناسالم - با جامعه‌های دموکراسی و دیکتاتوری - زاییده می‌شدند و رشد می‌یافتند.

برای مور که یک دموکرات چپ و عقل‌گرای انتقادی است، انقلاب نه به‌سان لیبرال‌ها محکوم است و نه به‌سان کمونیست‌ها کاملاً مقبول؛ مهم‌تر از همه سرنوشتی است که دموکراسی پیدا می‌کند و این سرنوشت جز در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جوامع ریشه ندارد. از این رو، مور مهم‌ترین جوامع صنعتی کنونی - و عصرخویش - را زیر تیغ تحلیل می‌برد تا روشن سازد به واسطه کدام شرایط تاریخی، این کشورها روند انتقال از جامعه پیشاصنعتی - کشاورزی و فئودال - به جامعه صنعتی و تجاری را طی کرده‌اند و ثمره این انتقال چه بوده است؟ (به عبارتی چه نوعی از دموکراسی پدیدار شده است،

به زعم بسیاری، از دهه هفتاد میلادی تاکنون، جهان و نیز حوزه‌های علوم انسانی و تاریخی تغییر زیادی کرده‌اند که از جمله آنها نوعی انقلاب پارادایمی در تعریف برخی مفاهیم و موضوعات است. شاید اگر برینگتون مور در این عصر، که عرصه جولان پارادایم‌های مدرن و پسامدرن است، می‌خواست کتابش را نام‌گذاری کند، نامی حول و حوش ریشه‌های اجتماعی مدرنیته و مدرنیزاسیون بر آن می‌گذاشت. عصری که مور در آن کتاب ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی را می‌نگاشت عصر پس از جنگ دوم جهانی بود و به قول دنیس اسمیت، در سال ۱۹۹۱، پس از مطالعات و تحلیل‌های ساختی - کارکردی امثال اسملسر، آیزنشتات، لیپست و بندیکس در خصوص تغییرات اجتماعی و پیدایش شهروندی، طبقات، ملت‌ها و انسان‌های «سیاسی جدید» و انقلاب صنعتی و زنده کردن ققنوس جامعه‌شناسی تاریخی که از خاکستر ویرانی و آتش جنگ جهانی، فاشیسم و توتالیتاریسم آن برآمده بود، نوبت نسل دوم جامعه‌شناسان سیاسی بود که این ققنوس نوپا را بپروراندند و به پرواز درآوردند. این نسل، نسلی از متفکران بودند که پیشتر سابقه وابستگی به احزاب چپ را داشتند و با فاصله‌گیری از لیبرالیسم راست‌گیشانه نسل قبل - بیشتر آمریکایی و پارسونزی - دوباره به نابرابری‌ها، جنبش‌ها، انقلاب‌ها و مقاومت‌های اجتماعی پرداختند. مور از بزرگان این نسل بود که پس از مطالعاتی در باب روسیه (با کتب تنگنای قدرت (۱۹۵۰)، ترور و پیشرفت: اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۵۴) و پس از کارهای مارک بلوخ (و کتاب جامعه فئودالی) و نوربرت الیاس (با کتاب فرایند تمدن شدن) به همراه تامپسون (که به بررسی پیدایش طبقه کارگر در انگلیس (۱۹۶۳) پرداخت)، دوباره به انجام تحلیلی طبقاتی و نقش طبقات در پیدایش جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی و

روسیه) (ص ۵۸). مور اهمیت دهقانان در این تحولات را از سه بعد مورد بررسی قرار می‌دهد: ۱ - نوع ارتباط جامعه دهقانی و اشراف زمیندار، ۲ - تمایزات طبقاتی درون دهقانان و ۳ - میزان همبستگی و انسجام جماعت دهقانی. وی معتقد است وقتی رابطه میان دهقانان و زمینداران نزدیک و قوی باشد احتمال شورش ضعیف‌تر است یا گاه، نوعی تحول و ایجاد یک قشر مرفه

دموکراسی‌ای که خود در برخی مناطق عامل گسترش و توسعه صنعتی شدن نیز گردیده است).

می‌توان گفت مفهوم و ایده آل اصلی مور، به تبع یک دموکرات انتقادی، دموکراسی است و سایر مفاهیم را در تقابل یا هم‌کناری و هم‌راستایی یا درجه تفاوت با آن سامان می‌دهد و کل موضوعات و رخدادهای تاریخی تا رسیدن یا فاصله گرفتن با این موضوع شکل می‌گیرند. مور ضمن تأکید آشکار بر مفهوم «پر اهمیت دموکراسی» آن را با سه پیامد آن تعریف می‌کند: ۱ - محدود کردن قدرت حکام خودکامه، ۲ - وضع قوانین و مقررات عقلانی و عادلانه به جای مقررات خودسرانه، و ۳ - سهیم شدن طبقات پایین جامعه در تصمیم‌گیریها. (ص ۹) که با خود عناصر اصلی نظم دموکراتیک و بورژوازی را پدید می‌آورد. با این وصف، مور ضمن بررسی تفاوت‌های ساختاری جوامع (از لحاظ طبقات، جمعیت، اقتصاد، معیشت، روابط طبقاتی و سیاسی...) به طور موجز، در یک «نظریه دموکراسی» پنج شرط را برای پیدایش آن - که به شیوه‌های مختلف به انجام می‌رسند - برمی‌شمرد و به نظر می‌رسد به واسطه آنها می‌توان ساختار تحلیلی بقیه مطالب کتاب را دریافت. این شروط عبارت‌اند از:

۱ - فقدان دربار خودکامه و اشراف زمیندار خودسر (وجود نوعی تعادل میان این دو قشر و کم اثر شدن استبداد آنها).

۲ - پذیرش کشاورزی تجاری به وسیله اشراف زمیندار یا دهقانان (بورژوازی شدن).

۳ - افول سلطه سیاسی طبقه زمیندار (تضعیف اشراف یا بزرگ مالکان).
۴ - شکل‌نگرفتن ائتلاف میان طبقه زمیندار نیرومند و بورژوازی ضعیف علیه دهقانان و کارگران (که می‌تواند به فاشیسم بینجامد).

۵ - گسستن کامل و انقلابی از گذشته تاریخی (به عبارتی، گذشتن از دوره فئودالیسم و عدم ارتجاع روشنفکران یا سایر طبقات). (صص ۲۳-۲۶)

این نظریه دموکراسی در بخش اول کتاب و در سه فصل اول^۱ با توجه به نوع تحول اجتماعی‌ای که می‌تواند به دموکراسی یا دیکتاتوری بینجامد (انقلاب بورژوازی، انقلاب محافظه‌کارانه و از بالا و انقلاب دهقانی و کمونیستی) تبیین و تشریح می‌گردد. به نظر مور، اگر شرط چهارم روی دهد و شرایط ساختن هم آن را یاری دهد نتیجه تحول پیدایش فاشیسم خواهد بود (همانند ژاپن و آلمان) و این وضعیت با پیش‌نیازهایی همراه است، نظیر: اندکی بورژوازی شدن و به عبارتی عقلایی کردن نظام سیاسی (با آموزش شهروندان و مهارت‌آموزی و...)، وجود رهبری نیرومند برای جذب عناصر ارتجاعی و جذب آنها به سمت این رهبری، تمسک به ارزشهای سنتی (مانند خانواده پدر سالار و نظامهای بهره‌برداری خانوادگی در ژاپن یا سنن رومی در ایتالیا یا ملت در آلمان) و احیای آن در جامعه نو، که معمولاً در زندگی دهقانی و زمینداری ریشه می‌کند و از آن (نوده‌ها) نیرو می‌گیرد. این پیش‌نیازها در اندیشه‌های ضد سرمایه‌داری به ظاهر رادیکال میان دهقانان نیز دیده شده است (ژاپن). اما، شورشها و انقلابهای دهقانی نیز با نظریه دموکراسی مور مرتبط است. به نظر مور «عدم پیدایش کشاورزی تجاری به رهبری اشرافیت زمیندار و تداوم نهادهای اجتماعی دهقانی در درون عصر صنعتی نوین و افزایش فشار بر روی این نهادها» علت اصلی آنها بوده است (مانند چین و

**مور و هم‌نسلان وی - بلوخ، اسکاچپول، تیلی و... -
تحولات عظیم دوره‌ای را برای بررسی
انتخاب کرده‌اند، که بعدها چهره سیاست، اندیشه،
تولید و جهان را تغییر داد. آنها تحول جوامع
پیشاصنعتی به جامعه صنعتی را مسئله اصلی
عصر خویش می‌دانستند، امری که یا
با زایمانهای دردناک انقلابها روی می‌داد یا
با سزارین، نظارت و مراقبت قابل‌ها و
ماماهای مختلف صورت می‌گرفت**

دهقان (طبق نظریه «توقعات فزاینده» تدگار) می‌تواند به شورش آنها بینجامد و آنها را از وضع استثمار و بهره‌کشی خویش آگاه سازد و در کنار آن نوع همبستگی این جماعت (همبستگی انقلابی یا محافظه‌کارانه) به شورش منجر شود. به اعتقاد او تفاوت میان این همبستگیها در این است که در همبستگی رادیکال (مثل روسیه) دهقانان خواهان توزیع مجدد منابع محدود مثل زمین‌اند، در حالی که همبستگی محافظه‌کارانه مبتنی بر تقسیم کار است و برای انجام وظیفه‌ای مشترک همکاری سریع‌تری حاصل می‌شود و انقلاب و شورش روی نمی‌دهد (مثلاً در چین). این همبستگی خانوادگی دهقانان در جریان نوسازی و از دست رفتن حداقل زمین دهقانی، که می‌توانست برای وی در این شبکه منزلت ایجاد کند، رادیکالیزه شد.

مور به جز اشاره به اثر «ضعف روابط نهادی میان جامعه دهقانی و طبقات بالا و خصلت استثمارگرانه این روابط» به مسئله‌ای اشاره می‌کند که او را از انتقادهای می‌رهند و آن این است که «دهقانان به تنهایی هرگز انقلابی را به انجام نرسانده‌اند» (ص ۶۰) و برای اقدام به این عمل باید نارضایتی آنها با اعتراضات سایر گروههای اجتماعی درهم آمیزد، همچنان‌که در روسیه بدون هدایت رهبران شهری آنان قادر نبودند ارتش سرخ را سازمان دهند و جنگ پارتیزانی را در چین ادامه دهند (ص ۶۲). به عبارتی «دهقانان ماده منفجره لازم برای ویران کردن بنای کهن را فراهم کرده‌اند، اما سهمی در کار بازسازی پس از انقلاب نداشته‌اند و حتی در فرانسه خودشان در زمره نخستین قربانیان انقلاب بوده‌اند» (ص ۶۰) در اینجا و سایر صفحات کتاب (صص ۲۱، ۶۲ و...)، مور بر امحای این طبقه تأکید دارد. طرح این مسئله که برای نیل به دموکراسی باید با گذشته به طور انقلابی خداحافظی کرد، مؤید آن است و

زمینداران بزرگ فرانسه به اعمالی مثل دیوارکشی انگلیسی که رو به سوی کشاورزی تجاری داشت دست زدند. بلکه علاقه‌مند به حفظ اجاره‌داریهای دهقانی بودند تا معاش خود را تأمین کنند، سنت تجملی و ولخرجیهای زیادشان زندگی آنها را انگل‌وار کرد و اشراف روستایی را هم به زوال برد؛ نتیجه آن رکود کشاورزی، فشار به دهقانان و سرانجام خشونت انقلابی و نابودی اشراف بود. از سویی دیگر، به نظر مور، طبقه بورژوازی فرانسه پشتناز نوسازی نبود تا مناطق روستایی آن را مثل انگلستان به سوی سرمایه‌داری صنعتی ببرد، بلکه وابسته به دربار بود. (ص ۱۰۱) خلاصه آنکه ساخت جامعه فرانسه مرکب بود از نظامات فئودالی همراه با استبداد سلطنتی، که ارکان دستگاه سیاسی استثمار مازاد اقتصادی دهقانان به وسیله اشراف زمیندار فرانسه را تشکیل می‌داد. (ص ۱۰۸) و دربار مردم طبقه سوم را به اشراف زمینداری تبدیل می‌کرد که نیازمند حمایت فئودالی بودند (نوعی ارتجاع) و نتیجه رفتن سرمایه‌داری به جامعه فئودالی بود. (ص ۱۱۲) و رادیکالیسم دهقانی هم واکنشی بود به اوضاع وخیم زمان و تهاجم سرمایه‌داری به آنها و فقیرتر شدن دهقانان. در حقیقت، انقلاب به ائتلاف طبقات اشراف و بورژوازی، و فئودالی شدن دوباره پایان داد، چرا که دربار نتوانسته بود هزینه‌های اجتماعی توسعه را میان طبقات مختلف تقسیم کند.

مور ضمن تحلیل ساختی - اجتماعی شمال، غرب و جنوب آمریکا و نشان دادن اینکه شمال پیشتر دارای مزارع تجاری و کارگاههای صنعتی بود و جنوب بر اساس زمینداری و کار بردگان اداره می‌شد، بر آن است که «در انقلاب آمریکا نیروهای چندان رادیکالی وجود نداشتند و کار عمده آن انقلاب ایجاد یگانگی سیاسی در میان مستعمره نشینان و جدایی از انگلستان بود.»

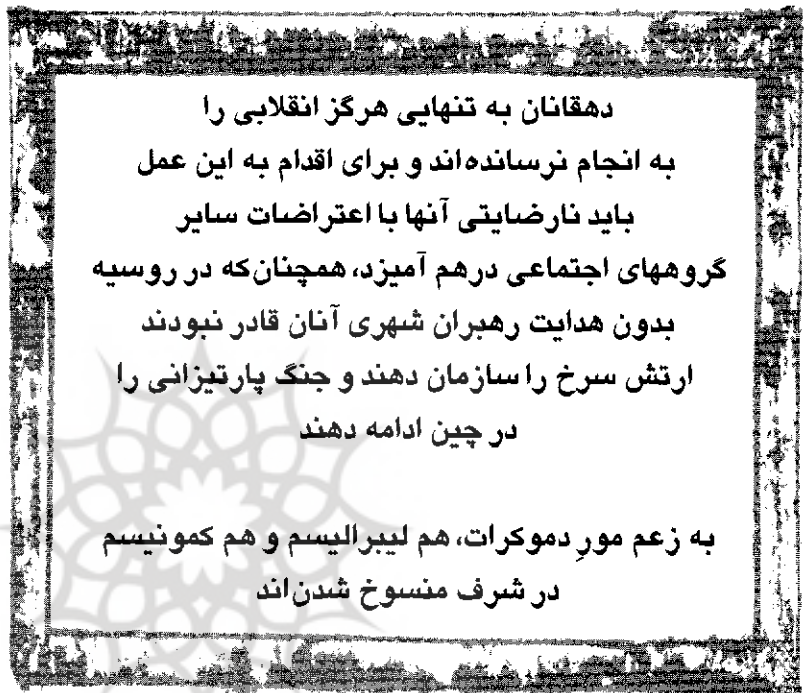
(ص ۱۴۳)، به عبارتی منازعه منافع تجاری انگلیس و آمریکا. او ضمن مقایسه این سه منطقه معتقد است که، میان صنعت شمال و کشاورزی غرب پیوند و ائتلافی پدید آمد که مانع نوعی ائتلاف ارتجاعی با جنوب برده‌دار و فئودال گردید و این امر جنگ داخلی را تسریع کرد. این جنگ متأثر از تفاوت شمال و جنوب در سرمایه، کار و بازار فروش بود (ص ۱۵۷)، که در نتیجه این تفاوتها به نظامهای اقتصادی گوناگون و تمدنهای مختلف انجامیده بودند. سرانجام، در جنگ با قدرت نظامی شمال، اشراف جنوب نابود شدند و صورتی ظاهری از دموکراسی؛ با اعطای حقوق مالکیت و رای به سیاهان پدید آمد. (ص ۱۶۷) به هر حال همانگونه که مور می‌گوید شکست نظام برده‌داری در جریان انقلاب آمریکا، به اندازه شکست دربار مستبد انگلستان و فرانسه در انقلابهایشان، برای پیشرفتهای بعدی این کشورها - و به عبارتی برای نهادهای دموکراسی - اهمیت بسیار داشت، زیرا احتمال ائتلاف بورژوازی با اشرافیت یا فئودالیسم (و برده‌داران) و در نتیجه، پیدایش نوعی فاشیسم را از بین برد.

مور نظریه غیر خطی و چندگانه خویش درباره دموکراسی و راههای متفاوت آن را با بررسی سرگذشت دموکراسی در کشورهای صنعتی شده آسیایی پی می‌گیرد. او در بررسی امپراطوری چین بر ویژگی دیوانسالارانه و در نتیجه ایجاد فساد اداری در آن و پیدایش ثروت از آن (ربط سیاست و اقتصاد) تأکید زیاد دارد؛ زیرا منصب دیوانی در چین به ثروت‌اندوزی هم منتهی

بورژوازی و کشاورزی تجاری در کشورهای صنعتی این کار را به انجام رسانده‌اند.

در بخش دوم کتاب به تحولات خشونت بار و انقلابی برجسته کشورهای صنعتی یعنی انگلیس، فرانسه و آمریکا پرداخته می‌شود و در بخش سوم، سه شیوه نوسازی در آسیا (کمونیسم دهقانی چین، فاشیسم آسیایی و دموکراسی هندی) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

به نظر مور، در انگلیس تجارت پشم و مهم‌تر از همه جنبش دیوارکشی و ادغام اراضی توسط اشراف زمیندار که منجر به نابودی طبقه دهقان گردید،



(ص ۷۷) باعث تجاری شدن کشاورزی شد و برخلاف روسیه و چین ضعف حکام سیاسی و اقتدار شدید بر سرزمینهای گسترده، تسهیل‌کننده دموکراسی آتی انگلستان بود. در جنگ داخلی، قدرت پادشاه محدود شد و از سه قشر اشراف (اشراف لقب‌دار، اشراف خرد و طبقه یومن)، اشراف خرد با این وضع تطابق یافتند و دخالت پادشاه در مالکیت زمینداران را محدود کردند و موانع عمده جنبش دیوارکشی را برداشتند و مقدمات حکومت «کمیته زمینداران» یا همان پارلمان انگلیس قرن هیجدهم را هموار کردند (ص ۷۵). تقویت پارلمان به زبان دربار بود و نابودی طبقه دهقان، امکان شورش محافظه کارانه و ارتجاعی را از تاریخ توسعه آن کشور حذف کرد. سرمایه‌داران نوین و نظام سیاسی عقلانی شده آنجا راه را برای گسترش دموکراسی باز کردند (ص ۸۳) و در حقیقت فقدان قدرت خود کامه، دستگاه سرکوب شدید، و پذیرش بورژوازی در درون اشراف زمیندار و حمایت از آنها یا دادن امتیاز در زمان لازم، از خشونت شدید نیز ممانعت به عمل آورد.

در فرانسه، اشراف زمیندار فاقد استقلال و وابسته به دربار بودند (در فرانسه القاب و عناوین و مناصب دیوانی فروخته می‌شد)، و مثل انگلیس به کشاورزی تجاری روی نیابردند، بلکه با بهره‌کشی هر چه بیشتر از دهقانان زندگی می‌گذراندند. لذا در اینجا نتیجه عکس شد، به جای نابودی دهقانان، اشراف مستقل نابود شدند و مالکیت دهقانی تحکیم شد و ساخت صنعتی آنجا نیز عقب‌تر از انگلیس بود.

از تحقق وحدت ملی جلوگیری می‌کرد (ص ۳۰۷) و هر گونه بدعت و شورش نیز کاسته‌های فرعی و اصلی جدید ایجاد می‌کرد و عوامل تغییر نیز بالقوه جذب نظام موجود می‌شدند. سیطره انگلیسیها در هند نیز مانع پیدایش نوسازی‌ای از نوع ژاپن شد (به عبارتی ممانعت از به کار رفتن مازاد اقتصادی کشاورزی توسط هیئت حاکمه در رشد صنعت). مور از دیدگاهی تاریخی در مورد برخی دوره‌ها خصلت چپاولگرانه دستگاه دیوانی مغول را همراه با فقدان طبقه اشراف زمیندار مستقل و در نتیجه خودسری و هرج و مرج آنها و جلوگیری از پا گرفتن بورژوازی ذکر می‌کند. به نظر مور، نقش انگلیسیها در هند سوای از تبدیل

می‌شد. (ص ۱۸۰) به عبارتی، طبقه اشراف آنجا مرکب از دانشمندان صاحب‌دیوان و زمیندار بود و زمیندار نیز برای تضمین مالکیت خود و اجاره زمین به دستگاه دیوانی دولت امپراطوری وابسته بود. داوطلبان نظام دیوانی (در نظام امتحانی) همانند ساموراییهای ژاپن مرکز پیدایش هسته‌هایی از مقاومت در برابر نظام حاکم شدند. به زعم مور، روابط ارباب و دهقان در چین وسیله‌ای سیاسی برای استثمار مازاد اقتصادی از طبقه دهقان و صرف آن در تفریحات و تجملات طبقه بالا بود و فقدان بازارهای بزرگ شهری (به علت قلت جمعیت شهری مرفه و رو به رشد) به تجاری نشدن کشاورزی کمک می‌کرد. ضعف روابط میان دهقانان و طبقه بالا، همراه با حمله ژاپن به این کشور، موفقیت کمونیستها را در جنگ داخلی تضمین کرد، چرا که باعث شد طبقه حاکمه قدیمی، به علت حمایت از دشمن خارجی حذف شود. و از سوئی باعث ایجاد همبستگی میان توده‌های دهقانی شود که رهبری آنها را کمونیستها به دست گرفته بودند.

مور ویژگیهای جامعه سنتی ژاپن و نقش آن را در پیدایش نوسازی آن کشور بررسی می‌کند و ساختار طبقاتی آنجا را مرکب از امپراطور منزوی، شوگون مستبد، تیولداران، ساموراییها و دهقانان می‌شمرد. او با تشریح نقش و وزن هر کدام از این طبقات به مسئله مهم رابطه ارگانیک اشراف سلحشور (ساموراییها) و بازرگانان و تیولداران دایمو و از میان رفتن کارکرد اجتماعی سلحشوران، از طریق نفوذ تجارت در جامعه ژاپن می‌پردازد. (ص ۲۳۰). به زعم او، بازرگانان عصر توکوگاوا غرق در اخلاقیات فئودالی بودند و نمی‌توانستند تکیه گاه فکری جدیدی را در مخالفت با تفکر سنتی پدید آورند. او انقلاب میجی را به هیچ روی مبارزه طبقاتی صرف یا بورژوازی نمی‌داند، بلکه

آن را منازعه‌ای از نوع منازعات فئودالی کهن میان قدرت مرکزی و تیولها برمی‌شمرد. به نظر مور، سنت نظامی عصر فئودالی ژاپن زمینه مناسبی برای کوشش ارتجاعی در راه صنعتی کردن کشور فراهم کرد و در فرهنگ ژاپن، برخلاف چین، جایی برای میهن پرستی سلحشوران پیدا شد (ص ۲۴۳). این تأکید بر شأن و وفاداری به نظام (به جای رابطه قراردادی آزاد) مانع رشد دموکراسی به شیوه غرب در آن کشور گردید. به نظر او نظارت پدرسالارانه حکومت فئودالی از طریق سلحشوران و نیز کدخدایان، بر دهقانان اعمال می‌شد. در نتیجه، علی‌رغم اینکه حکومت میجی فئودالیسم را در هم شکست و دهقانان را در دولتی محافظه‌کار هضم کرد، اما به طور کلی حقوق مالکیت دهقان و این طبقه مشروعیت یافتند. در ضمن، در شهرها هم نیروی بورژوازی‌ای نبود که دهقانان با آن متحد شوند، لذا علیرغم سیاست انقلابی، آن دولت عملاً حکومتی محافظه کار بود.

دموکراسی هندی برای مور از آن رو جالب است که این دموکراسی (نظام پارلمانی فعال، دستگاه قضایی مستقل و آزادیهای سیاسی و انتخابات آزاد) در کشوری رخ داده که در آن انقلاب صنعتی روی نداده است. عامل مهمی که وی بر آن تأکید دارد نظام کاستی هند است که برای کل زندگی اجتماعی در سطح جامعه روستایی از گهواره تا گور چارچوبی مشخص تعیین و وجود حکومت مرکزی را زائد و غیرضروری می‌کرد. به علاوه، این نظام کاستی - به مثابه وسیله‌ای برای سازماندهی نیروی کار - موجب فقر کشاورزی آنجا بود و

به نظر مور، در انگلیس تجارت پشم و مهم‌تر از همه جنبش دیوارکشی و ادغام اراضی توسط اشراف زمیندار که منجر به نابودی طبقه دهقان گردید، باعث تجاری شدن کشاورزی شد و برخلاف روسیه و چین ضعف حکام سیاسی و اقتدار شدید بر سرزمینهای گسترده، تسهیل‌کننده دموکراسی آتی انگلستان بود

در انقلاب امریکا نیروهای چندان رادیکالی وجود نداشتند و کار عمده آن انقلاب ایجاد یگانگی سیاسی در میان مستعمره‌نشینان و جدایی از انگلستان بود

شدن از دزد دریایی به دیوانسالار (ص ۳۰۸)، ایجاد شکاف و تفرقه میان طبقات بالای زمیندار و طبقات بالنده شهری بود که هنوز ضعیف بودند و در نتیجه از تکوین ائتلافی ارتجاعی (مثل آلمان و ژاپن) مانع شدند. اما سیاست عدم خشونت گاندی باعث پیوند بورژوازی با دهقانان گردید و از هر گونه گرایش انقلابی کاسته شد.

مؤخره کتاب جایی است که هم باب انتقادهای موجه و هم تحسین را به این دموکرات آزادخواه می‌گشاید. این مؤخره تحت عنوان «تصورات ارتجاعی و انقلابی» یادآور اثر کارل مانهایم ایدئولوژی و اتوپیا (۱۳۸۰) است که به اندیشه‌ها و تصورات حال‌نگر و آینده‌نگری می‌پردازد که یا درصدد حفظ وضع موجودند یا سودای در افکندن طرح نوی را دارند. مور در اینجا به نقش ارزشها، نگرشها و تصورات ذهنی برخی از مفاهیم، مثل برابری و برادری و...، در انقلاب یا ارتجاع می‌پردازد. اثر تفکرات کاتونیسیمی - که در پی توجیه نظام سرکوبگر و ممانعت از دگرگونی در زندگی دهقانان بوده است و ضد صنعت و تجدد است - و نیز تفکرات بابوف روسی در ایجاد سنت شورش مسلحانه و دیکتاتوری طبقه پرولتاریا و اندیشه‌های تائویستی در بازگشت به نظم ساده گذشته به منزله علاج تمام نابسامانیها و ممانعت از انقلاب اشاره می‌کند.

مور برخلاف این فصل، در جای جای صفحات قبلی صراحتاً از دخیل کردن نقش ارزشها و به ویژه ساخت فرهنگی در پیدایش انقلابها و دموکراسی سرباز می‌زند و از نظریه ماکس وبر در این مورد انتقاد می‌کند و آن را در تحلیل

است و نه چون چپهای کمونیست شدای آن، بلکه همان طور که می گوید: «از زمان اسپارتاکوس تا عهد رویسپیر و تا زمان حاضر کاربرد زور به وسیله ستمدیدگان علیه حکام ستمگر همه جا مورد سرزنش قرار گرفته است. در عین حال بیشتر کتب تاریخ ظلم و ستمی را که به صورت روزمره در جامعه «عادی» جریان دارد به نحوی مبهم تصویر کرده اند» (ص ۳۵۹). به زعم مور، اصلاحات تدریجی هم دست کم به اندازه انقلاب دارای هزینه اجتماعی سنگین و ظالمانه‌ای بوده است، اما او هزینه‌های سنگین انقلاب و ادعاهای برتری دولتهای سوسیالیستی را هم به نقد می‌کشد و یادآور می‌شود که زشت‌ترین ویژگیهای دیکتاتوریه‌های انقلابی ایجاد هراس میان مردم معمولی بوده است که حتی بیش از خود انقلابیون قربانی نظام قدیم بوده‌اند. هر چند معتقد است تاکنون تمام تلاشهای صنعتی کردن از بالا و توسط اقلیتی کوچک و بی‌پروا انجام شده است. (ص ۳۶۰) به زعم مور دموکرات، هم لیبرالیسم و هم کمونیسم در شرف منسوخ شدن‌اند.^۲ چرا که هر یک به نحوی خشونت و سرکوب را توجیه می‌کنند، به قول وی «تا زمانی که گروههای حاکمه نیرومند مانع پیدایش جهانی بهترند، کاربرد زور و اجبار انقلابی لازم خواهد بود. اگر قرار باشد زمانی آرمان قدیمی تأسیس جامعه‌ای آزاد و عقلایی تحقق یابد، باید در آخرین وهله قید و بندها و موانع موجود بر سر راه آن درهم شکسته شوند و برای این کار باید نخست آنها را شناخت» (ص ۳۶۱)

پی‌نوشت:

۱ - ترجمه کتاب با اصل کتاب مطابقت ندارد و همان طور که مترجم در مقدمه خویش بیان داشته، ترتیب و تویب ترجمه، برعکس اصل کتاب انجام شده است و برخی از مطالب تاریخی و ارجاعات نیز حذف شده‌اند. با وجود این، مبنای بررسی را نیز بر اساس همین ترتیب قرار می‌دهیم.

۲ - مور در آثار بعدی خویش بیشتر به سوی این موضوع روی آورد. بعد از کتاب ریشه‌های دیکتاتوری و دموکراسی که در ۱۹۶۶ نگاشته شد، مور این کتابها را منتشر کرد: قدرت سیاسی و نظریه اجتماعی (۱۹۵۸)، تأملاتی در باب دلایل بدبختی بشر (۱۹۷۳)، بی‌عدالتی: ریشه‌های اجتماعی فرمانبری و شورش (۱۹۷۸)، جنبه‌های اخلاقی رشد اقتصادی و سایر مقالات (۱۹۹۸). ویراست اول کتاب برجسته و جدید وی *Moral Purity and Persecution in History* در سال ۲۰۰۰ انتشار یافته است و در آن به ریشه‌های خشونت، شکنجه و عدم تساهل به واسطه انحصار فضیلت و شقاوت در گروههای خاص و به وجود آوردن سپرهای بالای فرا طبیعی می‌پردازد و به ظاهر، عوامل فرهنگی در آن برجسته می‌گردد.

۳ - از این نظر کمونیسم منهدم گردید و لیبرالیسم استعماری جای خویش را در غرب به تنویرالیسم و محافظه کاران جدید داد و این پیش‌گویی تا حدودی به تحقق پیوست.

منابع:

- Smith, Dennis (1991) *The Rise of*

Historical Sociology, London. Polity Press

- مانهایم، کارل (۱۳۸۰) ایدئولوژی و اتوپیا، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، نشر

سمت.

تغییرات سیاسی جوامع مورد مطالعه‌اش چندان مهم نمی‌داند (صص، ۹۸، ۱۴۸، ۱۶۰ و...)، او معتقد است که پیروان ویر «که از نقش انگیزشهای فکری مجرد در ایجاد تغییر و تحول گفتگو می‌کنند، اهمیت زمینه اجتماعی و سیاسی این تحولات را نادیده می‌گیرند.» این امر باعث می‌شود تا مور نقش ارزشها و عوامل فرهنگی را در تغییرات و نوسازی به عوامل اجتماعی و اقتصادی تحویل و تقلیل دهد. حتی در مؤخره، وی «توضیح رفتار اجتماعی بر حسب ارزشهای

اثر مور اثری جاودانه و کلاسیک شده است،
چرا که با تحلیلی موشکافانه و نگرشی تاریخی،
ریشه‌های دموکراسی را در تار و پود
ساختهای اجتماعی و اقتصادی عصر پیشاصنعتی
کشورهای عصر خویش دنبال نموده و
راه دموکراسی را در دست‌اندازهای طبقات ارباب
و دهقان و شیوه‌های آرایش، صف‌بندی،
ائتلافها و تخصیص آنها
پیگیری کرده است

فرهنگی» را «مصادره به مطلوب» می‌داند و معتقد است نگرشهای فرهنگی را باید در تجربیات خاص تاریخی جستجو کرد (ص ۳۴۸). شاید این روحیه ناشی از تأثیرات فلسفه تحلیلی و پوزیتیویسم آن عصر و جبرگرایی اقتصادی مارکسی باشد که مور بنا به شرایط عصر خویش در آنها پرورش یافته بود و در نتیجه ورزشها و فرهنگ را امری نسبی، نامتغیر و مبهم و تار می‌دانست که قابلیت تبیین تحولات عمیق را ندارند. اگر مور این کتاب را در عصر چرخش فرهنگی کنونی می‌نوشت به این بعد اهمیت بیشتری می‌داد.^۱ و شاید مسئله اصلی را نه دموکراسی (و ارتجاع)، بلکه مدرنیته و مدرنیزاسیون می‌دانست که پارادایم گسترده‌تری است و دموکراسی و صنعتی شدن نیز جزئی از آن هستند. به عبارتی، انقلابها و جنبشهای آن عصر، قابله ارزشهای مدرنیته بودند که دموکراسی یکی از فرزندان چندقلوی آنها بود، فرزندانانی که بعدها در صدد بودند تا آن را با جامه «روایت اعظم» به خانه سالمندان ارزشهای مدرن وارد کنند.

اما اثر مور اثری جاودانه و کلاسیک شده است، چرا که با تحلیلی موشکافانه و نگرشی تاریخی، ریشه‌های دموکراسی را در تار و پود ساختهای اجتماعی و اقتصادی عصر پیشاصنعتی کشورهای عصر خویش دنبال نموده و راه دموکراسی را در دست‌اندازهای طبقات ارباب و دهقان و شیوه‌های آرایش، صف‌بندی، ائتلافها و تخصیص آنها پیگیری کرده است. او در هر جای کتاب به شیوه‌ای علمی و منصفانه نظریات مختلف و رقیب را ذکر کرده و مورد داوری و رد یا تکمیل قرار داده، که این امر به گیرایی و ماندگاری کتاب بیشتر افزوده است. انصاف و بی‌طرفی متناسب وی را شاید در نظرش پیرامون انقلاب بهتر دریابیم. او نه به سبک لیبرالهای محافظه کار مخالفت انقلاب